

مقدمه

گاهی بین دانش آموزان بی‌علاقگی به یک درس دیده می‌شود. اگر دانش‌آموز نسبت به درسی بی‌علاقه باشد، به توضیحات معلم توجه نخواهد کرد. تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهد داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب او نخواهد شد. اما اگر به درسی علاقه داشته باشد، هم به توضیحات معلم با دقت گوش می‌دهد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام می‌دهد و هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی مطلب درسی خواهد رفت. شاید این موضوع که آن را به عنوان یک تجربه بیان می‌کنم، درد و مشکلی باشد برای بسیاری از معلمان به خصوص در درس عربی. موضوعی را که به آن می‌پردازیم، افزایش علاقه و تا حدودی ایجاد انگیزه برای خواندن درس عربی است.

# علاقه‌مندسازی به یادگیری زبان وحی

◆ لیدا عبدالله پور  
دبیر شهرستان گناوه، استان بوشهر

## توصیف وضعیت موجود و بیان مسئله

پس از شش سال سابقه‌ی تدریس، در مهرماه ۱۳۸۲ تدریس درس عربی را در دبیرستان دخترانه‌ای واقع در شهرستان گناوه، مانند سال‌های گذشته، آغاز کردم. بعد از یکی دو هفته که در کلاس سوم ریاضی به‌عنوان دبیر عربی حاضر شدم، دانش‌آموزان کلاس را بسیار فعال، کوشا و با انضباط یافتم. کلاس ۱۲ نفره‌ی سوم ریاضی، بین دیگر کلاس‌های مدرسه، به فعالیت علمی و انضباط مشهور بود. این اطلاعات را من هر سال قبل از اولین جلسه کلاس از مدیر مدرسه کسب می‌کنم؛ اطلاعاتی کلی درباره‌ی وضعیت دانش‌آموزان در سال قبل و این که کدام دانش‌آموزان مشکل خاصی داشته‌اند. آن سال نیز درس خویش را با نام و یاد خدا آغاز کردم. دانش‌آموزان را همان‌گونه که توصیفشان را شنیده بودم، یافتم. اما دیری نگذشت که بین دانش‌آموزان، رفتار و حالت دانش‌آموزی توجه مرا به خود جلب کرد. او در ردیف اول کلاس نزدیک پنجره و کنار میز معلم



می نشست. زمانی که درس می دادم، به تمام حالات و روحیات دانش آموزان توجه کامل داشتم. روحیه ی او با بقیه فرق داشت. نام او زهره بود.

زهره یکی از دانش آموزان مؤدب و با انضباط کلاس بود، ولی نمی دانم چرا وقتی که من درس می دادم، با بی حوصلگی سرش را روی نیمکت می گذاشت و می خوابید. چند وقتی رفتار او را کنترل کردم. حدود سه چهار جلسه ی درسی این حالت تکرار شد. زهره در پرسش های مستمر کلاسی نیز، زمانی که از او درس می پرسیدم، نمره ی چندان رضایت بخشی نمی گرفت.

جلسات اول نمره ای برای او در دفتر کلاس ثبت نکردم. با خود گفتم، شاید مشکل جسمی مختصری داشته باشد و رفع شود. لذا به او فرصت می دادم و از او می خواستم که در جلسات بعدی کسری نمره ی خود را جبران کند. ولی از این کار نتیجه ی مثبتی نگرفتم. زهره در جلسات بعدی نیز همین گونه بود. با اطلاعاتی که در مورد کلاس داشتم، نمی توانستم رفتار او را به ضعف درسی ربط بدهم. عدم پاسخ به سؤالات، ضعف درسی زهره نبود. هم چنین، نمی توانستم این موضوع را بی احترامی او نسبت به خودم تلقی کنم، زیرا او دختری مؤدب و با انضباط بود. به همین دلیل کنجکاو شدم و علت یابی مسئله را آغاز کردم.

ابتدا از دیگر همکاران پرس وجو کردم که آیا او در درس های دیگر نیز چنین است یا خیر. متوجه شدم که در بیشتر کلاس ها این حالت را ندارد، یا اگر دارد، به شدت کلاس عربی نیست. مشکل زهره را بی علاقه بودن و انگیزه نداشتن برای خواندن درس عربی یافتم. به همین دلیل احساس کردم، باید به منظور پیدا کردن راه حل مناسب برای این مشکل و ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به درس عربی در زهره اقدام کنم.

دوماه از سال تحصیلی می گذشت و من هم چنان با این مشکل روبه رو بودم. وقتی اولین امتحان میان ترم «مستمر» را در کلاس برگزار کردم، از نمره ی زهره رضایت چندانی به دست نیاوردم. بعد از چند روز، زنگ تفریح به دفتر مدرسه رفتم. مادر یکی از دانش آموزان داشت با مدیر مدرسه صحبت می کرد. بعد از این که نشستم، مدیر مرا به مادر دانش آموز معرفی کرد: «خانم عبدالله پور، دبیر عربی ایشان است.»

از خانم مدیر پرسیدم مادر کدام دانش آموز است،

گفت: «زهره...». خیلی خوشحال شدم که به طور تصادفی با او ملاقات کرده ام. او از درس زهره پرسید. گفتم: «دانش آموز خوبی است، ولی در انجام تکالیف درس عربی کمی سهل انگاری می کند. نمره ی امتحانش را هم که می دانید...»

گفت: «بله به خاطر همین موضوع به مدرسه آمده ام. زهره همه ی درس هایش را خوب می خواند. او نسبت به نمرات خود حساس است، ولی نمی دانم چرا نسبت به این درس بی تفاوت شده. با او صحبت کرده ام، ولی کاری از پیش نبرده ام.»

به او گفتم اشکالی ندارد و نگران نباشد. خودم موضوع را پی گیری می کنم و ان شاء الله مشکل برطرف می شود. مادر تشکر کرد و رفت.

چند لحظه در فکر فرو رفتم. با خود گفتم: «تو که مشکل را خیلی زود تشخیص داده بودی، چرا در جهت رفع آن اقدام نکردی؟» به عنوان اولین اقدام، به گردآوری اطلاعات پرداختم.

### گردآوری اطلاعات

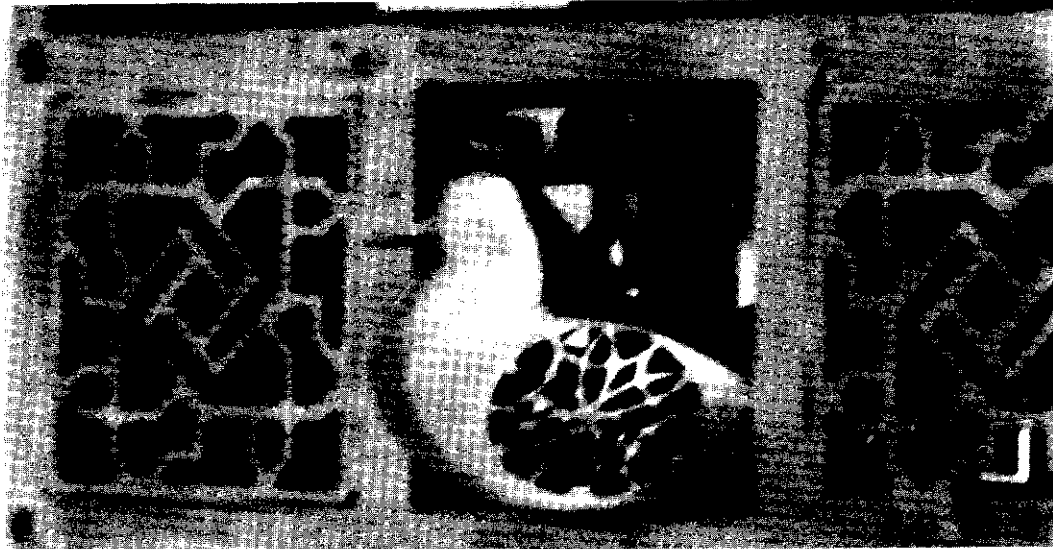
برای این که بتوانم مشکل را حل کنم، یک سلسله اطلاعات را به شرح زیر جمع آوری کردم:

۱. ابتدا از دیگر دبیران و همکاران سؤال کردم که آیا در درس های دیگر نیز زهره چنین است یا خیر. متوجه شدم که او تنها دروس علوم پایه را خیلی خوب می خواند و چندان اهمیتی به درس های عمومی اش نمی دهد.

۲. در کلاس درباره ی زهره از هم کلاسی هایش پرسیدم. به این نتیجه رسیدم که او در کلاس های دیگر، خیلی ساکت و بی حوصله و بدون علاقه به درس نیست، ولی در مورد عربی بی تفاوت است. از دانش آموزان پایه ی بالاتر (پیش دانشگاهی) شنیدم که: «عربی یک درس عمومی است و برای ما که رشته ی ریاضی فیزیک هستیم، چندان اهمیتی ندارد.» ظاهراً همین موضوع روی زهره بسیار تأثیر گذاشته و نظر او را نسبت به این درس تغییر داده بود.

۳. با کمک مدیر، یک بار دیگر نمره ی درس عربی سال قبل زهره را بررسی کردم. دیدم که سال گذشته در درس عربی جزو دانش آموزان متوسط کلاس بوده و میزان بی علاقه گی او نسبت به این درس به حد امسال نبوده است.

دبیرانش، مشورت با مشاور مدرسه، نظرسنجی از دانش‌آموزان کلاس و پی بردن به نظر زهره درباره‌ی کلاس و درس عربی، همگی بیانگر آن بودند که زهره درس عربی را درسی بی‌فایده می‌داند؛ درسی که هیچ تأثیری در آینده‌ی او ندارد. اگر تا کنون عربی را خوانده، برای گرفتن نمره بوده است. او عربی را در زندگی خود مؤثر نمی‌داند و به همین خاطر، هیچ علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهد.



۴. با توجه به یافته‌هایم، خواستم نظر خود زهره را به طور غیرمستقیم درباره‌ی عربی و نیز خودم بفهمم. با کمک فاطمه که از دوستان نزدیک زهره بود، این کار را انجام دادم. اما فاطمه که دوست صمیمی زهره بود، از گفتن حقیقت طفره رفت. نمی‌دانستم که او علت را می‌داند و نمی‌خواهد بیان کند یا این که واقعاً نمی‌داند.

۵. سعی کردم، خود نیز اطلاعاتی را به طور غیرمستقیم از دانش‌آموزان در مورد درس عربی و خودم به دست آورم. از دانش‌آموزان خواستم که نظر خود را در برگه‌ای بی‌نام به من تحویل دهند. از قبل دفتر زهره را دیده بودم و خط او را کاملاً می‌شناختم. زمانی که برگه‌ها را به من تحویل دادند، زنگ خورد و از کلاس خارج شدم. در راهرو مشاور مدرسه را دیدم. از او خواستم که باهم به اتاقش برویم. کنارش نشستم و موضوع را برایش شرح دادم. از او خواستم، برای حل این مشکل به من کمک کند. بازهره حرف بزند و نتیجه را به من اعلام کند.

۶. موضوع را در دفتر مدرسه با همکاران مطرح نمودم نظر مربی پرورشی دقیقاً برخلاف نظر من بود. او می‌گفت، زهره به انجام کارهای پرورشی و هنری بسیار علاقه‌مند است و شرکت فعالی در این زمینه‌ها دارد. دبیر ریاضی می‌گفت، زهره به ریاضی و کار با رایانه علاقه دارد و در کارگاه رایانه‌ی مدرسه، مانند یک هنرآموز به دانش‌آموزان آموزش رایانه می‌دهد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

پرسش و پاسخ از دوستان زهره، صحبت با

### ویژگی‌های راه پیشنهادی

۱. تقویت روحیه‌ی جست‌وجوگری، پرسشگری و پاسخ‌گویی به سؤالات، و سوق دادن دانش‌آموز به سمت مطالعه‌ی کتاب‌هایی که فواید خواندن درس عربی را به او می‌آموزند، بی‌تفاوت نبودن نسبت به پدیده‌های محیط زندگی که درکجا و چگونه زبان عربی را به کار می‌بریم و مورد استفاده قرار می‌دهیم.
۲. تقویت روحیه‌ی جمعی در فعالیت گروهی و تقویت روحیه‌ی خودباوری در دانش‌آموز که نسبت به آن چه می‌آموزد، بی‌انگیزه نباشد. بدانند، هر علم و دانسته‌ای روزی و یا زمانی، در جایی مورد استفاده‌ی او قرار خواهد گرفت و بی‌فایده نخواهد بود. با تقویت مشارکت‌جویی و حس همکاری در گروه، دانش‌آموز دیگر نمی‌تواند در کلاس بی‌تفاوت باقی بماند. همین که دوستان خود را مشغول فعالیت و جنب‌وجوش ببینند، او نیز فعالیتی از خود نشان خواهد داد، اگرچه اندک باشد.
۳. مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری. با خود اندیشیدم، در چند سال اخیر شیوه‌ی آموزش فعال و روش‌های نوین یادگیری و یاددهی، بازدهی کار معلمان و دانش‌آموزان را بالا برده است. یکی از فواید این روش‌ها آن است که دانش‌آموز به طور مستقیم در امر یادگیری نقش دارد. زمانی که دانش‌آموز به طور مستقیم درگیر مسائل یادگیری و یاددهی باشد، زمینه برای ابراز بی‌حوصلگی و بی‌علاقه بودن به درس در او کمتر می‌شود. سرانجام او از

وقت خود برای دقایقی به طرز بهینه استفاده می کند.

۴. بروز استعدادهای نهفته و کشف آن توسط دیگران (معلم، پدر و مادر). ایجاد زمینه برای اظهارنظر و طرح نظرات دانش آموز سبب می شود که او خود را از نظر روحی و روانی تخلیه کند و حرف خود را بزند. چه بسا در میان همین اظهارنظرها، معلم به وجود استعدادها و خلاقیت های دانش آموز پی ببرد و خودش نیز از نظرات آن ها بهره بگیرد.

### اجرای راه های جدید

باتوجه به اطلاعات به دست آمده و سپس تجزیه و تحلیل آن ها، راه کارهایی به نظرم رسید تا بتوانم در زهره نسبت به درس عربی انگیزه و علاقه ایجاد کنم. از چند راه وارد شدم، همه را یکی یکی پیاده کردم و بعد آن ها را مورد ارزیابی قرار دادم.

۱. در یکی از جلسات، با خودم یک سی دی درس عربی به کلاس آوردم. بعد از حضور و غیاب و احوال پرسی با دانش آموزان، یکی از آن ها به من گفت: «خانم امروز باید درس جدید را بخوانیم. پرسش ها و تمرین درس قبل را به پایان رسانده ایم.»

گفتم: «بسیار خوب، امروز نیز عربی می خوانیم، ولی درس امروز ما از کتاب عربی سال سوم نیست، بلکه مطلب جدیدی است.»

خودم سه نفر را صدا زدم که به جلوی کلاس بیایند. یکی از آن ها نیز زهره بود. وقتی کنار من قرار گرفتند، از کیفم پاکت حاوی یک مجموعه کارت پازل را بیرون آوردم. پاکت زیبا و دارای تزئینات قرآنی بود. آن را باز کردم و پازل ها را در آوردم و به آن سه نفر دادم. گفتم: «کمی فکر کنید و با این پازل ها یک جمله ی معنی دار عربی بسازید.»

آن ها مشغول چیدن پازل ها شدند و مرتب آن ها را جابه جا می کردند. این کار برای دیگر دانش آموزان نیز جالب به نظر می رسید. سرانجام این جمله را ساختند:



به این معنی که: «عربی بیاموزید، زیرا کلام خداوند است و با آن با خلقتش سخن می گوید. این جمله نقل از امام صادق(ع) است. در مورد حدیث از دانش آموزان پرسیدم و در مورد آن توضیحاتی بین من و دانش آموزان ردوبدل شد. آری عربی زبان قرآن است. با زبان عربی، هم خداوند متعال در قرآن با بندگانش سخن گفته و راه و روش صحیح زندگی را برای آن ها ترسیم کرده است و هم ما بندگان در نماز با خدا سخن می گوئیم. برای خالق توانا و مخلوقش، هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست که هنگام صحبت و درد دل، با زبان همدیگر که خود وسیله ای برای برانگیخته شدن احساسات معنوی در انسان است، سخن بگویند. هم چنین می دانیم، رسول خدا(ص) و چهارده معصوم که الگوهای تمام و کاملی برای ما در زندگی هستند نیز، به همین زبان سخن گفته اند.

انسان وقتی کسی را دوست دارد و از او الگو می گیرد، دوست دارد هم کلام او باشد و خودش را مانند او بسازد؛ چه در گفتار و چه در رفتار. ما نیز که خداوند متعال و اهل بیت معصومین را دوست داریم، می خواهیم همانند آن ها باشیم و کلام آن ها را بفهمیم و در زندگی به کار ببریم. سپس سی دی را که از قبل آماده کرده بودم، از کیفم در آوردم و به دانش آموزان گفتم: بچه ها امروز درس عربی را در اتاق صوتی و تصویری مدرسه برگزار می کنیم. اتاق دقیقاً روبه روی کلاس ما بود. از بچه ها خواستم به آن جا بروند. وقتی همه نشستند، از زهره خواستم سی دی را راه اندازی و اجرا کند. دانش آموزان کنجکاو بودند که هدف من از این کار چیست. محتوای سی دی، استفاده ی روزمره از زبان عربی را نمایش می داد. برای مثال، استفاده عربی در زمینه ی پزشکی و دارویی. بسیاری از داروهای که وارد کشور ما می شوند، دستورالعمل عربی دارند و یا طریقه ی مصرف بسیاری از مواد آرایشی به زبان عربی نوشته شده است. هم چنین، در سفر حج، هنگام مسافرت به کشورهای عربی، برای خرید و فروش تسلط بر مکالمات روزمره ی عربی ضروری است. بعضی مواد غذایی که از کشورهای خارجی به کشور ما وارد می شوند، دستورالعمل عربی دارند. برای استفاده از وسایل برقی در منزل نیز گاهی به زبان عربی احتیاج داریم.

جنب و جوش خاصی در میان دانش آموزان برپا شد. هرکسی می خواست مواردی را که برایش پیش آمده و از معلومات عربی اش استفاده کرده، بیان کند. پخش سی دی

را قطع کردم و به صحبت های دانش آموزان گوش دادم . خیلی جالب بود و می توانستم از خیلی از نظرات آن ها استفاده کنم . مطالب و نظرات دانش آموزان به حدی توجه زهره را به خود جلب کرده که او نیز تصمیم گرفت نظرش را بگوید . به او اجازه دادم و گفتم : «خانم من کار با رایانه را خیلی دوست دارم . همیشه در منزل ، وارد سایت های اینترنتی می شوم . از مباحث علمی خیلی خوشم می آید و مرتب به دنبال مطلبی می گردم که جدید باشد و درباره ی موضوعات درسی به من کمک کند . یک روز مطلب مهمی را دیدم که به صورت عربی نوشته شده بود . موضوع آن

مطلبی بگوید . اجازه دادم . گفتم : «خانم ، خیلی وقت ها از تلویزیون فیلم هایی از شبکه های تلویزیونی کشورهای عربی پخش می شود که در اصل انگلیسی یا به زبان های دیگرند ، ولی این شبکه ها ، مکالمات آن ها را به صورت زیرنویس عربی روی صفحه ی تلویزیون می آورند . اگر ترجمه کردن را خوب یاد گرفته باشیم ، می توانیم از فیلم هاو مطالب مهم این برنامه ها نیز استفاده کنیم . »

صحبت او را تأیید کردم . در این جلسه ، احساسات زهره را کاملاً زیر نظر داشتم و متوجه تغییراتی در درون او شدم . دیدم حداقل به جواب این سؤال خود رسیده است که عربی در زندگی روزمره ی ما چه نقشی دارد .

۲ . از دیگر کارهایی که برای

ایجاد تغییر و تحول و ایجاد انگیزه در زهره و دیگر دانش آموزان انجام دادم ، این بود که افراد کلاس را با توجه به شناختی که از آنان پیدا کرده بودم ، در گروه های چند نفری قرار دادم . در مورد زهره سعی کردم ، در گروهی قرار گیرد که سرگروهشان فردی فعال در درس عربی و از دانش آموزان ممتاز کلاس باشد . سپس به دانش آموزان مواردی را که در امتیاز گروه تأثیر داشت ، یادآوری کردم و افزودم که این نمره ها

به عنوان نمره ی امتحان مستمر ماهانه منظور خواهد شد . مواردی که مورد ارزیابی قرار می گرفتند ، عبارت بودند از : فعالیت گروهی ، حل تمرین ، انجام تکالیف ، گوش دادن در گروه ، و جواب دادن و اظهارنظر کردن در گروه .

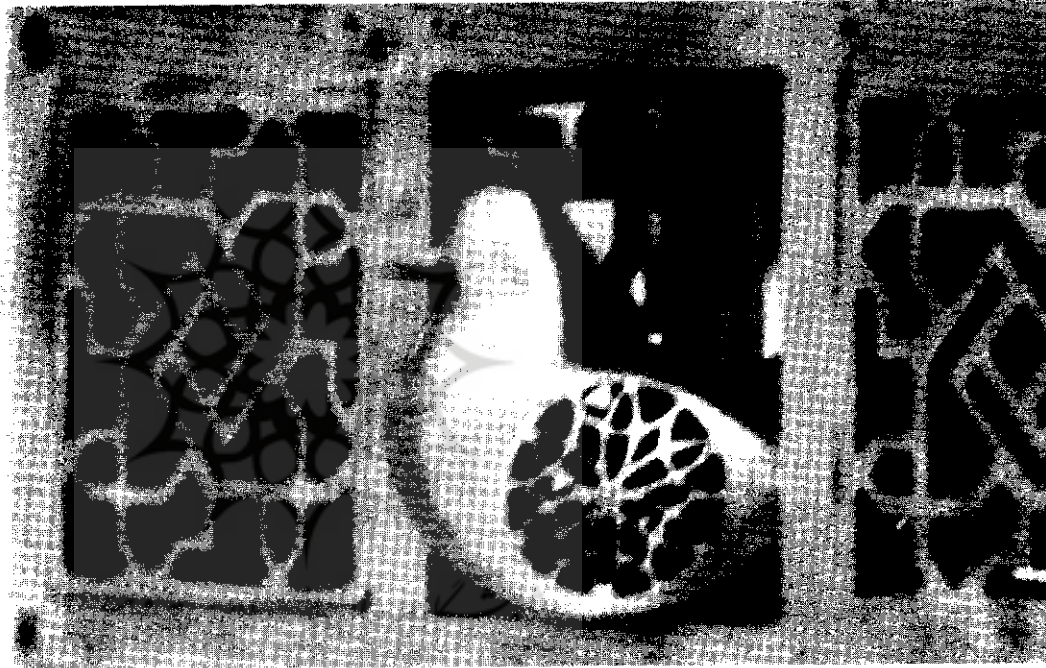
این امر باعث شد که دانش آموزان درانجام فعالیت ها با دید بازتر و فعال تری عمل کنند و بدانند که هرگونه بی حوصلگی ، بی علاقتی و فعالیت نکردن در کلاس ، به ضرر خود آن ها و افراد گروه تمام خواهد شد . چرا که قرار شده بود در پایان هر ماه ، به اعضای گروهی که فعال تر باشد ، امتیازی داده شود .

از جمله اطلاعاتی که در مراحل اولیه به دست آورده بودم ، یکی این بود که زهره اهل رقابت علمی است و در

ارائه ی راه حلی بود ، برای یک مسئله ی هندسه که مدت ها دنبالش بودم . ولی متن عربی بود و نتوانستم آن را به راحتی ترجمه کنم .

لبخندی زدم و گفتم : «آفرین عزیزم ! این نیز یک راه استفاده از زبان عربی در زندگی است . عربی در خدمت ریاضی هم هست . برخی از دانشمندان در علم ریاضی و علوم طبیعی ، دانشمندانی عرب زبان بوده اند و متون عربی بسیار غنی در اختیار مسلمانان قرار داده اند . بسیاری از این آثار ، توسط افراد باهمت ترجمه شده و برای استفاده ی دانشجویان ، در اختیار دانشگاه ها و دانشکده ها قرار گرفته اند . »

یکی از دانش آموزان دستش را بلند کرد و خواست





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

### مجلات دانش آموزی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می شوند)

- + رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- + رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- + رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- + رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- + رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

### مجلات عمومی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می شوند)

- + رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه رشد معلم (دو هفته نامه)

### مجلات تخصصی (به صورت فصلنامه و ۲ شماره

در سال منتشر می شوند)

- + رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای

مجلات رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۲

آموزش و پرورش - پلاک ۲۶۸ - دفتر انتشارات کمک آموزشی

◆ تلفن و نمابر ۸۸۸۳۹۱۸۶

زمینه های علمی رقابت های خوبی داشته است. از این نکته استفاده کردم و در مقابل او و گروهش، گروه فعال دیگری را قرار دادم تا با هم رقابت کنند. همین امر سبب شد، نتیجه ی کار گروهی که زهره در آن بود، بسیار مطلوب تر و بهتر ارائه شود.

۳. دیگر این که سعی کردم، در کلاس بحث کنکور را پیش بکشم. شنیده بودم که زهره بسیار علاقه دارد، در کنکور قبول شود؛ البته در رشته ی ریاضی. او می گفت، هرگز نمی توانم تصور کنم، به آرزویم که قبول شدن در کنکور در رشته ی مورد علاقه ام است، نرسم. من از همین موضوع استفاده کردم. در یکی از جلسه ها، با خودم کارنامه ی داوطلب شرکت کننده ای در رشته ریاضی را آوردم که درصد امتیاز دروس پایه اش بالا بود، ولی در دروس عمومی از جمله عربی، امتیازهایش خیلی پایین بود و همین هم سبب شده بود که در کنکور قبول نشود. به دانش آموزان گفتم: «درست است که رشته ی شما ریاضی است و درس عربی درس تخصصی شما نیست و ضریب بالایی در کنکور ندارد، ولی عربی هم خودش یک درس است و نیاز است که از پل آن بگذرید. با یک درصد نمره بالاتر از آن می توانید، در کنکور صاحب امتیاز بالاتری شوید. لذا به همین مقدار که به دروس علوم پایه اهمیت می دهید، درس عربی را نیز در کنار آن بخوانید تا ان شاء الله بتوانید به هدف مورد نظر برسید.»

۴. تلاش دیگرم این بود که چون مشارکت دانش آموز در فرایند یادگیری یک نیاز است، سعی می کردم گاهی من پرسشگر باشم و دانش آموز پاسخ گو، و گاهی دانش آموز پرسشگر و من پاسخ گو. گاهی از دانش آموزان می خواستم، بخشی از یک مبحث را تدریس کنند و من نیز همانند یک دانش آموز درشان را گوش می دادم. برای این کار نیز امتیازی در نظر گرفته بودم.

مطلبی که توجه مرا بسیار جلب کرد، این بود که زهره نیز جزو دانش آموزانی بود که برای کنفرانس و تدریس یکی از درس های عربی حاضر شد. او مطالب جذاب و خوبی را ارائه داد. همین امر سبب شد که او به مطالعه ی کتاب های مرتبط با موضوع درس پردازد و مطلب جامعی ارائه دهد. این برای من بسیار امیدبخش بود. دانش آموزی که روز اول سرش را از روی نیمکت بلند نمی کرد و به درس گوش نمی داد، در کلاس بی حوصله و بی علاقه بود، خودش را برای خواندن این درس موظف نمی دانست، و